



شیعیان جمهوری آذربایجان  
در طول تاریخ  
تعصبات دینی و ملی  
فوق العاده‌ای داشته‌اند



### اشاره

سید محمد مسعود نقیب از جمله نویسندگان و شاعران معاصر است که از فعال ترین صاحب نظران حوزه های فرهنگی و اجتماعی منطقه محسوب می شوند. نقیب علاوه بر فعالیت های علمی و پژوهشی؛ مدیریت مرکز اسناد و کتابخانه ملی شمال غرب کشور و نیز مسئولیت هفته نامه نقیب را بر عهده دارند. ایشان از بدو انتشار فصلنامه تحقیقی - مطالعاتی آران عضو هیئت تحریریه این نشریه می باشند که هم اکنون نیز دست اندرکاران آران مفتخر به همکاری ایشان هستند.

مصاحبه این شماره از فصلنامه آران، بخشی از دیدگاه های سید محمد مسعود نقیب در خصوص مسائل مختلف قفقاز را تشریح می نماید. قبل از مصاحبه یک قطعه شعر از سروده های ایشان در وصف آذربایجان تقدیم می گردد.

جزء لاینفک ایران است، آذربایجان

سرزمین پاک شیران است، آذربایجان

خطه فرزندگان و عارفان پاکدل

مهد اهل علم و ایمان است، آذربایجان  
پرورشگاه هنرمندان ممتاز و وطن  
مخزن اشعار و دیوان است، آذربایجان  
محفل مشروطه خواهان حماسه آفرین  
مرکز ثقل دلیران است، آذربایجان  
تابع قرآن و عترت، معدن صدق و صفا  
جایگاه عهد و پیمان است، آذربایجان  
از فراق هیفده شهر بزرگ خود، دریغ  
روز و شب هر دم پریشان است، آذربایجان  
بر تجاوز پیشگان بد سرشت و خصم دون  
حالیا، چون تیغ و پیکان است، آذربایجان  
هان نقیبا با صراحت بر کج اندیشان بگو  
جزء لاینفک ایران است، آذربایجان

با توجه به اینکه جنابعالی از بدو انتشار فصلنامه آران عضو هیئت تحریریه این نشریه  
بوده‌اید در خصوص وجه تسمیه و اهداف این فصلنامه صحبت فرمائید؟

همانگونه که مخاطبین فرهیخته فصلنامه آران استحضار دارند؛ آران که در اکثر منابع به صورت اران  
(با تشدید «ر») آورده شده است از دیدگاه اکثر مورخان و جغرافی دانان مانند استرابو، ابن خردادبه،  
اصطخری و... نام تاریخی منطقه ای در شمال رود ارس و داخل در قفقاز است که امروزه تحت عنوان  
جمهوری آذربایجان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد می باشد. سابقه اطلاق عنوان آذربایجان  
به این منطقه به سال ۱۹۱۸ و تاسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان توسط محمد امین رسول زاده بر  
می گردد که در آن زمان در راستای مصالح امپراتوری عثمانی و برخی دلایل دیگر این نام گذاری صورت  
گرفت و البته باعث اعتراضات بسیاری در داخل کشور گردید که حتی اشخاصی مانند شهید شیخ محمد  
خیابانی و سایرین پیشنهاد نمودند نام آذربایجان به آزادیستان تغییر یابد. آنچه در اینجا بایستی مورد  
اشاره قرار گیرد اینکه حتی خود محمد امین رسول زاده در کتابی تحت عنوان جمهوری آذربایجان،  
چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن صراحتاً اعلام می نماید که بنا به جغرافیای رسمی قبل از

جنگ جهانی، آذربایجان به تبریز و حوالی آن گفته می‌شد؛ علیرغم همه این مستندات تاریخی، نامگذاری بخشی از شمال ارس تحت عنوان آذربایجان باعث به وجود آمدن تئوریهای غیر حقیقی مانند دو نیم شدن آذربایجان در جنگهای ایران و روس، به کارگیری عناوینی مانند آذربایجان جنوبی و شمالی و... گردیده که لزوم کنگاش علمی در خصوص این مسائل باعث انتشار اولین شماره فصلنامه آران حدود ده سال قبل گردید که اهدافی مانند شفاف سازی تاریخ، تنویر افکار عمومی و مقابله با تحریفات تاریخی منطقه قفقاز را دنبال می‌نماید.

همانگونه که می‌دانید حوزه مطالعاتی فصلنامه آران مسائل تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و

فرهنگی قفقاز است، در این زمینه‌ها چه مطالبی برای

مخاطبین آران دارید؟

از لحاظ تاریخی چنانچه بخواهیم صحبتی بنمائیم مهمترین موضوعی که به ذهن متبادر می‌گردد جدایی این منطقه از خاک ایران در نتیجه قراردادهای گلستان و ترکمنچای می‌باشد که حدود دو قرن قبل اتفاق افتاد، این مناطق تا دوران صفویه و اوایل قاجار بخشی از خاک ایران محسوب می‌گردید که در نتیجه طمع روسها و تلاشی که جهت رسیدن به آبهای آزاد داشتند و نیز به واسطه حیلہ گری انگلیسیها که همواره نقشی منفی در

تاریخ ایران داشته‌اند از ایران جدا گردید که تا مدتهای مدیدی قفقاز یها به این جدایی رضایت نمی‌دادند و تلاش می‌نمودند به اصل خویش رجعت نمایند هر چند اوضاع داخلی ایران و شرایط خاص بین المللی این فرصت را برای آنان نداد.

در زمینه جغرافیایی بایستی به این موارد اشاره نمود که قفقاز شامل جمهوریهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به همراه برخی جمهوریهای خود مختار جنوب روسیه می‌باشد که به دو قسمت قفقاز جنوبی و شمالی تقسیم می‌گردد، قفقاز منطقه‌ای است کوهستانی در جنوب غربی روسیه و در همسایگی شمال غربی ایران که به دلایل مختلف مانند واقع شدن بین دریای خزر و دریای سیاه، ایجاد ارتباط بین خلیج فارس با اروپا، وجود منابع غنی و ارزشمند، کوههای سوق

تا مدتهای مدیدی قفقاز یها

به این جدایی رضایت نمی‌دادند

و تلاش می‌نمودند به اصل خویش

رجعت نمایند هر چند اوضاع

داخلی ایران و شرایط خاص

بین المللی این فرصت را

برای آنان نداد

الجیشی، ارتباطات جاده‌ای و ترانزیتی به ویژه قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم و اتصال روسیه و اروپا و خاورمیانه و ایران به همدیگر از اهمیت خاصی برخوردار است.

از لحاظ سیاسی بایستی اذعان نمود که این منطقه یکی از مهمترین مناطق ژئوپلیتیک جهان محسوب می‌گردد قفقاز از گذشته‌های دور به دلیل اهمیت استراتژیک خود محل درگیری قدرتهای بزرگ بوده است. امپراتوری عثمانی و روسیه تزاری چندین قرن بر سر تسلط بر منطقه قفقاز با ایران در ستیز و رقابت شدید بوده اند که در نهایت نیز امپراتوری روسیه تزاری موفق به تفکیک این منطقه از ایران گردید. قفقاز طی دوره جنگ سرد محل تلاقی دو پیمان نظامی عمده جهان یعنی ناتو و ورشو بوده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز نه تنها از اهمیت منطقه کاسته نشده بلکه به محل رقابت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای تبدیل شده است که در این میان روسیه در پی حفظ و تثبیت نفوذ خود در قفقاز جنوبی و آمریکا و رژیم صیونیستی در صدد نفوذ در منطقه و تاثیر گذاری بر تصمیم گیریهای دولتمردان کشورهای این منطقه و استفاده از منابع عظیم آن بوده‌اند. سفرهای متعددی که مسئولین آمریکا و رژیم صهیونیستی به آذربایجان انجام می‌دهند را می‌توان در این خصوص مورد اشاره قرار داد؛ البته یکی از مهمترین دلایل حضور این قدرتها در قفقاز پی گیری سیاستهای ضد ایرانی خود در کنار مرزهای کشورمان می‌باشد، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و قطع امید آمریکا از ژاندارم خود در منطقه و پس از سرکار آمدن دولتی مبتنی بر آموزه‌های دینی در ایران اهمیت قفقاز برای قدرتهای جهانی بیش از پیش شده است؛ در حال حاضر این منطقه با اختلافات عدیده مرزی و قومی مواجه هستند که محصول سیاستهای تزارها و کمونیستها بوده و بهانه ای برای حضور و تاثیرگذاری قدرتهای بزرگ مانند روسیه و آمریکا محسوب می‌گردد که مهمترین نمونه اختلافات موضوع قره باغ می‌باشد که باعث تاثیرگذاری برخی قدرتها مانند آمریکا و اسرائیل در منطقه می‌باشند.

در زمینه فرهنگی نیز بایستی اذعان داشت منطقه قفقاز با زبانها و قومیتهای مختلف یکی از مناطق ویژه جهان محسوب می‌گردد. قفقاز مرز میان تمدن اسلامی و تمدن مسیحی و سه فرهنگ روسی، ترکی و ایرانی و نیز محل زندگی بیش از ۵۰ گروه قومی و زبانی و سه دین اسلام، مسیحیت و یهوداست. ساموئل هانتینگتون در کتاب معروف خود یعنی «برخورد تمدنها» منطقه قفقاز را روی خط برخورد تمدنها معرفی کرده و درگیریهای آذربایجانی‌های مسلمان و ارمنه مسیحی و صف بندی حامیان این دو گروه را مورد اشاره قرار داده است که البته نگاهی به زندگی مسالمت آمیز

اقوام مختلف در طول قرنهای گذشته درستی این نظریه را مورد تردید قرار می دهد. مطلب دیگری که بایستی در خصوص مسائل فرهنگی قفقاز مورد اشاره قرار داد اشتراکات فراوان آن با فرهنگ ایران زمین می باشد که علیرغم سالها جدایی و با وجود همه تلاشهایی که در دوره های مختلف توسط تزارها، کمونیستها و غربگرایان جهت زدودن فرهنگ تاریخی مردم قفقاز صورت گرفته، هنوز ادامه دارد.

● **حال که مطالبی به صورت کلی در خصوص قفقاز بیان نمودید مناسب است در ارتباط با جمهوری آذربایجان و شرایط فرهنگی آن نیز صحبت نمائید؟**

جمهوری آذربایجان در حقیقت دومین کشور شیعی دنیا پس از ایران اسلامی است. مردم این کشور که اکثریت آنان را شیعیان تشکیل می دهند در طول تاریخ تعصبات دینی و ملی فوق العاده ای داشته اند؛ چه در زمان تزارها و چه در زمان بلشویکها؛ پس از استقلال نیز توجه خاصی به مساجد داشته اند که بازگشایی مساجد بلافاصله پس از استقلال و مقاومت سرسختانه آنها در مقابل حکم تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا که اخیرا اتفاق افتاد و منجر به عقب نشینی دولت گردید شاهد خوبی بر این موضوع است، آنها علاقمندی خاصی به آموزش مسائل شرعی از خودشان نشان می دهند، البته بدیهی است که به دلیل سالها دوری از معارف اصیل شیعی در این زمینه هنوز در ابتدای راه هستند، مردم جمهوری آذربایجان توجه خاصی به ادبیات اسلامی و ایرانی دارند و در طول تاریخ نیز اینگونه بوده اند، شعراء فارسی گوی بسیاری در این منطقه حضور داشته اند که یک زمانی من در خصوص آنها مطالعاتی داشتم تعدادشان به بیش از ۲۰۰ نفر می رسد همچنین شاعران مرثیه گویی در بین آنها حضور داشتند، حتی در قفقاز کتب مربوط به لغت نامه و دستور زبان فارسی نگارش یافته است، این مردم در طول تاریخ ضمن علاقمندی به علمای اسلام، خود عالمان بسیاری تحویل جهان تشیع داده اند. طی دو قرن اخیر بیش از ۶۰ نفر مجتهد که بعضا صاحب رساله نیز بوده اند در این منطقه به تبلیغ تشیع پرداخته اند که اکثر آنها در دوران بلشویکها به شهادت رسیده اند که به عنوان مثال می توان به آیت الله سید ذکی اشاره نمود که به همراه پسرش توسط کمونیستها به قیر مذاب انداخته شد. مناسب است در اینجا خاطره ای نیز در ارتباط با حساسیت دینی مردم جمهوری آذربایجان در اوایل سالهای جدایی از ایران و مدتها پس از آن عرض نمایم، جد دیری بنده که یکی از علمای برجسته زمان خویش بود و دارای تالیفاتی نیز هستند و زمانی در

مسجد جامع باکو به تبلیغ اسلام می پرداختند تعریف می کرد که حضور و سخنرانی در مساجد باکو شرایط خاصی داشت به این صورت که از بین ۲۰-۳۰ نفر روحانی که معمولا از ایران به باکو دعوت می شدند آنهایی که از علم و بیان بهتری برخوردار بودند توسط دینداران انتخاب می شدند و بر اساس الویت در مساجد مختلف به وعظ و تبلیغ می پرداختند. این مطلب را از این جهت گفتم که توجه آرائیها و قفقازیهها را به گذشته درخشان خود جلب نموده باشم. شاید این مطالب بیشتر ناظر بر گذشته جمهوری آذربایجان باشد و چنین تصور شود که در حال حاضر مردم این جمهوری در مسیری برخلاف آن حرکت می نماید، هرچند که ظاهر امر این را نشان می دهد و خواست دولت نیز این است اما علاقه به اسلام و تشیع در ذات این مردم وجود دارد، علاقه ای که مردم آذربایجان برای زیارت



مشهد و کربلا دارند، تبرک و قداستی که مهر کربلا بین دینداران آذربایجان دارد، رفتار اجتماعی مردم در ماه رمضان و محرم و صفر و... نمونه هایی از علاقمندی آنها به مفاهیم اسلامی است. همچنین آنها علیرغم همه تبلیغات منفی به ایران و ایرانی علاقه خاصی دارند، اساتید دانشگاههای آذربایجان عموما علاقه زیادی به آشنایی با ایران دارند.

از زمان جدایی قفقاز از ایران  
به ویژه پس از به روی کار آمدن  
بلشویکها، تلاشهای گسترده ای  
برای تفکیک فرهنگی و تاریخی  
قفقاز از ایران بعمل آمده که این  
تلاشها پس از پیروزی انقلاب  
اسلامی و نیز استقلال جمهوری  
آذربایجان به شکل دیگری  
تشدید گردید

میزان سفر اتباع جمهوری آذربایجان به ایران مخصوصا شهرهایی مانند تبریز و اردبیل گویای علاقمندی آنان به ایران اسلامی است.

به نظر شما ضرورت توجه به مسائل مربوط به قفقاز و جمهوری آذربایجان در نشریات و

رسانه های ایران چیست ؟

از زمان جدایی قفقاز از ایران به ویژه پس از به روی کار آمدن بلشویکها، تلاشهای گسترده ای برای تفکیک فرهنگی و تاریخی قفقاز از ایران بعمل آمد که این تلاشها پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز استقلال جمهوری آذربایجان به شکل دیگری تشدید گردید، امروزه موضوع ایران ستیزی و تشیع ستیزی سرفصل فعالیت های برخی محافل جمهوری آذربایجان و نیز کشورها و جریانهای حاضر در این جمهوری است، آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز دو فرقه ضاله بهائیت و

وهابیت به شدت در جمهوری آذربایجان فعال هستند که همانگونه که گفتیم در کنار همه اهدافشان تلاش گسترده‌ای برای مبارزه با ایران و اسلام دارند. علاوه بر این مدتهاست که تاریخ، زبان، قومیت، ملیت، مذهب و اصالت مردم شیعه جمهوری آذربایجان مورد دست اندازی قرار گرفته است، در مدارس جمهوری آذربایجان تاریخ نه آنگونه که بوده بلکه به صورتی تحریفی ارائه می‌گردد، نسل امروزی جمهوری آذربایجان در حقیقت از فهم صحیح گذشته خود محروم می‌شوند؛ در جمهوریهای آذربایجان شخصیت‌های ایرانی مانند شیخ محمد خیابانی، ستارخان و باقر خان و... به صورتی غیر واقع معرفی می‌شوند، در رسانه‌های جمهوری آذربایجان به ویژه در مطبوعات به مقدسات اسلامی، بی‌احترامی می‌گردد که انتشار آیات شیطانی در پاورقی نشریه یونیکال نمونه‌ای از این موارد است، همچنین در این



رسانه‌ها تلاش زیادی جهت سیاه‌نمایی اوضاع ایران بعمل می‌آید، علاوه بر اینها دو جریان پان‌آدریسم و پان‌ترکیسم نیز که بنا به اعتقاد من از صهیونیسم جهانی سرچشمه گرفته‌اند تلاش می‌نمایند واقعیتها را تحریف نموده و به اصالت تاریخی و ملی مردم منطقه لطمه وارد نمایند که مجموع این عوامل در کنار اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی ایران با قفقاز و به ویژه جمهوری آذربایجان ضرورت توجه همه مردم و دستگاه‌های فرهنگی به قفقاز را مشخص می‌نماید که

مدتهاست که تاریخ، زبان، قومیت، ملیت، مذهب و اصالت مردم شیعه جمهوری آذربایجان مورد دست اندازی قرار گرفته است

البته در این ارتباط رسالت دانشگاهیان، عالمان دینی و نویسندگان بیش از دیگران می‌باشد و انصافاً در این عرصه موسسه فرهنگی آران با توجه به برگزاری همایشهایی مانند همایش بین‌المللی قفقاز در بستر تاریخ که سال گذشته اتفاق افتاد و نیز فصلنامه آران می‌توانند الگوی سایر نهادهای فرهنگی باشد.

با توجه به اینکه جناب عالی مدیریت سازمان اسناد و کتابخانه ملی شمالغرب کشور را بر عهده دارید می‌خواستم سوال نمایم که آیا بین مرکز شما و مراکز مشابه در جمهوری آذربایجان تعامل برقرار است؟ در این خصوص بایستی عرض نمایم که با توجه به سیاست حاکم در جمهوری آذربایجان که بر



مبنای وارونه جلوه دادن تاریخ طراحی شده است ارتباط گیری با مراکز مربوط به اسناد تاریخی در جمهوری آذربایجان سختیهای مخصوص به خود را دارد البته بنده در اوایل استقلال جمهوری آذربایجان؛ با مرحوم جهانگیر قهرمانوف مسئول انستیتوی نسخ خطی آذربایجان در باکو ملاقات داشتم که همکاریهای را در پی داشت؛ همچنین در نخجوان کتاب آثار خطی فارسی منتشر شده است و برخی آثار دیگر از این دست بوده است؛ علاوه بر این برخی فعالان علمی و رسانه ای جمهوری آذربایجان که به تبریز سفر می نمایند به مرکز اسناد شمالغرب مراجعه نموده و از آثار موجود استفاده می کنند.

در پایان ضمن تشکر از جنابعالی به خاطر شرکت در این مصاحبه چنانچه مطلبی باقی مانده است بفرمائید؟

یک نکته می خواستم در ارتباط با فصلنامه آران داشته باشم که انصافاً از نظر علمی و فرهنگی کارکردهای فوق العاده ارزشمندی داشته است. اکثر مطالب این فصلنامه عالمانه، محققانه و پژوهشگرانه می باشند؛ بنده با توجه به ارتباطی که با برخی شخصیت‌های فرهنگی و دانشگاهی در استانهای شمالغرب کشور و تهران دارم پژوهشگران و محققان زیادی تماس می گیرند و از محتوای علمی فصلنامه تمجید می نمایند؛ این نکته ای بود که وظیفه دانستم مورد اشاره قرار دهم و در پایان به همه دست اندرکاران این نشریه دست مریزاد عرض می نمایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی